

تاریخچه مجازات در ایران

۲ - مجازات های بدنی و نقدی

معلوم میشود مجازات قطع عضو برای جرم زنائی که باعث سقط جنین (نطفه تولید شده از زنا) گردد و برای طیب غبر ماهری که باعث مجروح شدن مریض خود گردد مراسم Tansar ذکر میکنند که مجازات زنا قطع بینی زانی میباشد و اگر کسی در دفعه اول ارتکاب جرم محکوم بجزای نقدی شده و دوباره مرتکب گردد بینی و گوش او را قطع میکردند.

ادوارشاون (Chavannes) باستناد کتب چینی مینویسد که برای بعضی جرم های کوچک تراشیدن موی سر و تراشیدن ریش و نصب يك قطعه چوب بگ کردن مجرم برای چندین ماه یا چندین فصل جزء مجازات ها بوده است.

۵ - جزای مالی

جزای مالی عبارت بود از پرداخت غرامت و یا اجرای بعضی کارها بنفع دولت مثل ساختن پل، دادن افزار کار بهلمای مذهبی و زارعین و نظامیان بلاوه مجازاتهای ضربات شلاق قابل تبدیل بجزای نقدی بودند.

از ابتدای دوره اسلام تا عصر مشروطیت

پس از تسخیر ایران بدست اعراب احکام جزائی شرع جانشین قوانین مجازات اوستا گردید و تاچندی پیش بینی تا موقعی که قوه حاکمه در جامعه کشوری بدست قانون گذاری را اخذ کرد و شروع بوضع قوانین نمود احکام آسمانی بامختصر تغییراتی در ایران مجری بود.

مجازات های شرع بردر قلمند:

۱ - حدود ۲ - تعزیرات

۱ - حدود عبارتند از مجازات هایی که مقدار آنرا

الف - اعدام که در موارد ذیل اعمال میشود

هر کس ناشی را بسوزاند و یا در آب اندازد.

قطاع الطریق و یاغیان

لاطی و شخصی که بعمل لواط تن در داده زن بدکار - و بعضی جرم های مذهبی دیگر اشخاص عادی میتوانند در باره کسی که بوسیله محاکم محکوم باعدام شده و یا کسانی که درحین ارتکاب جرائم نامبرده دستگیر شوند مجازات اعدام را اجرا کنند.

ب - شلاق و تازیانه

این مجازات از ۵ ضربه تا ده هزار ضربه شلاق برحسب درجه اهمیت جرائم مرتکبه تغییر میکنند برای جرم های زیادی مجازات شلاق تعیین شده و این مجازاتها قابل تبدیل بجزای نقدی میباشد.

ج - زندان و زنجیر و اعمال شاقه

مدت زندان - طرز اجرای اعمال شاقه و محل آن تعیین شده بود. زندان نه تنها عنوان مجازات را داشت بلکه همانطور که امروزه معمول است متهمین را موقتاً تا روز محاکمه در زندان نگاه میداشتند بلاوه محکومین باعدام و یا قطع عضو را نیز تا روز اجرای حکم محبوس و بزنجیر میکردند.

د - داغ کردن و قطع عضو بدن

موارد اجرای این مجازات بطور تحقیق معلوم نیست ولی هیچ جای تردید نیست که در زمان ساسانیان مجازات قطع دست و بینی و گوش و بازو و کور کردن چشم معمول بوده کتاب اوستا مجازات داغ کردن بسا آهن سرخ شده را ذکر میکند و بطوریکه از اسناد دیگر

کشتن تنها را برای اجرای عدالت کافی ندانسته کشتن با زجر و مشقت را بمجرم تحمیل میکردند مجازات‌هایی که در مورد زنا و لواط تعیین شده :

سنگسار کردن، سوزاندن، دیوار بر سر فرود آوردن، از کوه بلندی پرتاب کردن، بخوبی مقصود مابرا روشن میکنند در اعدام زن شوهردار و یا مرد زن‌دار ابتدا باید صد تازیانه زد سپس اعدام کرد. در سنگسار کردن سنگ‌های کوچک باید انتخاب کرد که محکوم زود نمیرد .

در قوانین جزای فعلی برخلاف مجازات اعدام را بقدر کافی سخت و شاق ندانسته سعی میکنند بطریق آسانتری جانی را بکشند چنانکه اعدام بوسیله گیوتین که در فرانسه معمول است در آن واحد صورت می‌گیرد در امریکا که با قوه برق اعدام میکنند محکوم روی صندلی فازی نشسته بعد قوه برق را وارد میکنند و فوراً مجرم جان می‌پارود .

۲- مجازات جنبه عمومی نداشت اولیاء مقتول می‌توانستند قاتل را ببخشند و دیه نیز در صورتیکه ولی دم تقاضای آنرا نمیکردند بانها پرداخته میشد نه بدولت .

برای انسان قیمتی تعیین کرده برای مرد صد شتر یا دو سگ و گاو و ده هزار درهم و غیره و برای زن نصف دیه مرد بعلاوه برای هر يك از اعضای بدن نیز بهائی قابل شده در صورت قتل و جرح غیر عمد و یا شبه عمد پرداخت دیه جای قصاص را می‌گرفت در صورت قتل و جرح عمد اولیاء مقتول یا مجروح مجبور بودند بین قصاص یا عفو کردن و یا گرفتن دیه .

۳- مراعات نکردن اصل مساوات بین مسلمان و غیر مسلمان- بین بنده و آزاد و بین زن و مرد

الف- مساوی نبودن مسلمان و غیر مسلمان

اگر مسلمان مرتکب قتل و جرح کافری شده باشد او را قصاص نمیکنند اگر يك کافر ذمی را کشته باشد تمیزش میکنند و باید دیه بدهد ولی اگر بکشتن کافر ذمی عادت کرده باشد مسلمان را قصاص میکنند آنهم بشرط رد کردن زیادتی دیه مسلمان .

شارع تعیین کرده است .
۲- تعزیرات مجازات‌هایی میباشد که مقدارشان (جز در چند مورد مخصوص) باختیار حاکم شرع واگذار شده است .

قصاص را نیز میتوان جزء حدود وارد کرد و آن عبارت از تلافی کردن جنایت است از قبیل قتل و جرح بدل آن .

قتل ممکن است از روی عمد باشد مثل اینکه شخصی از روی عمد دیگری را بکشد و یا اینکه سبب کشتن او شود چنانکه در چاه بیندازد یا زهر دهد و یا از روی خطا و بدون قصد مثل اینکه تیری بقصد کشتن حیوانی اندازد و تیر بیک نفر انسان اصابت کرده او را بکشد یا از روی خطای شبه عمد باشد مثل اینکه شخصی دیگری را کتک بزند بدون قصد کشتن و منجر ب فوت گردد .

زخم زدن و بریدن اعضاء نیز بسه طریق بالا ممکن است اتفاق بیفتد قصاص مخصوص بشرق اول یعنی قتل و جرح عمدی است ولی در دوشق اخیر که قتل و جرح از روی خطای محض و یا خطای شبه عمد صورت گیرد دیه لازم است .

خصائص مجازات‌ها در اسلام

۱- منظور عمده مجازات در شرع مثل غالب قوانین جزائی قدیم آزار رساندن ببدن مجرم و ارهاب بوده بطوری که متنبه گشته دیگر مرتکب جرم نشود بعلاوه دیدن شخص مجازات شده باعث خوف و تنبه سایرین گردد سارقی که دست او را بریده‌اند و در کوچه ها راه می‌رود دیدن او سایر مردم را بطور محسوس از عواقب وخیم سرقت مطلع می‌سازد . اعدام شده را سه روز برای آگاهی مردم بالای دار نگاه میداشتند البته در اجرای مجازات اصل عدالت (رسیدن مجرم بسزای خود) نیز در نظر بوده منتهی ساختمان فکری و روحیه جامعه آن زمان طوری بوده که بعضی جرائم را زیاد فاحش دانسته و بالتبع مجازات‌های بی نهایت سختی مقرر میداشتند

ب - مساوی نبودن آزاد و بنده

مرد آزاد که مرتکب قتل و جرح بنده گردد قصاص نمیشود ولی اگر عات کند بکشتن بنده او را اعدام می کند .

ج - مساوی نبودن زن و مرد

مرد آزاد را بجرم قتل زن آزاد میکشند ولی بعد از آنکه نصف دینه مرد بورته او داده شود زن قاتل بدون هیچ شرطی بهوض مرد مقنول کشته میشود حتی دو زن که مرتکب قتل یک مرد شوند هر دو را بهوض آن مرد می کشند زیرا که دو زن بهوض یک مرد حساب می شوند .

در قوانین جزای کنونی کلیه کشور ها مساوات کامل مراعات میشود بندگی در کشور های متمدن وجود ندارد اختلاف مذهب نیز باعث اختلاف مجازات نمیشود اعضای جامعه تمام در مقابل مجازات برابرند ملاحظه مرد ویا زن بودن را اگر در بعضی موارد قانون اجازه میدهد آنهم بنفع زن است نه بضرر او .

د - شدت مجازات

مجازات ها رو به پیچیده خیلی شدید بوده بعضی اعمال از قبیل سرقت ، لواط و زنا مجازات خیلی سخت داشته اند .

مجازاتهای شرع وحشتناکتر از مجازات های دوره سامانیان بوده در قوانین اوستا تعداد جرم هایی که موجب مجازات شلاق میشد و قابل تبدیل بجزای نقدی و بالتبعیه سهل بودند زیاد بود در قانون اسلام بهکس موارد مجازات اعدام و قطع اعضاء بیشتر است چند مورد مجازات قطع اعضاء که اوستا تعیین کرده بود مثل سرقت از نظر مخالف بودن آن بانفع اجتماعی تدریجاً از بین رفت .

ه - تاثیر توبه در سقوط مجازات

تجزیرات بطور کلی و بعضی حدود بیا توبه ساقط می شدند شخص توبه کار از مجازات معاف می گردید .

۶ - عفو

امام در بعضی موارد و اولیاء شخصی که نسبت بساو جنایت ارتکاب شده بود می توانستند مجرم را به بخشند .

اقسام مجازات

هیچگونه مجازات نقدی در شرع تعیین نشده کایه مجازاتها جسمانی میباشد .

الف - اعدام

در بعضی موارد اعدام جزای یک عمل خلاف مذهب است مثال اعدام مرتد فطری (کسی که پدر او مسلمان بوده خود کافر شود) و مرتد ملی (کسی که پدرش کافر بوده خود مسلمان شود ولی دو باره کافر گردد و توبه نکند) .

در باره موارد اعدام مجازات تکرار جرم است مجازات خود جرم اعدام نیست لیکن بواسطه تکرار مجرم مستحق اعدام میگردد .

در جرم های سرقت

سختی - شراب خوردن و قذف (نسبت زنا و لواط بکسی دادن) اگر کسی پس از سه مرتبه مجازات شدن بسلت یکی از این جرائم در دفعه چهارم مرتکب همان جرم گردید مجازاتش اعدام است .

گاهی نیز بواسطه اهمیت جرم مجازات اعدام تعیین شده مثل لواط و زنا (زنا با محارم - زنا با کافر ذمی با زن مسلمان - زنا با جبار - زنا با مرد زن دار و زن شوهر دار) .

شق آخرین بمنظور انتقام کشیدن و قصاص میباشد قتل بکفر مسلمان مجازاتش اعدام قاتل میباشد . در سه مورد ذیل قاتل بعد مجازات نمیشود .

۱ - در مقام دفاع از نفس و ناموس و مال اگر دفاع منحصراً بکشتن شود قاتل مجازات نخواهد شد .

۲ - اگر کسی ببیند که دیگری بازن او زنا میکند میتواند او را بکشد این امر در غالب قوانین عصر حاضر باعث معافیت از مجازات است .

۳- اگر کشتن مقنول بر حسب شرع جایز باشد در این صورت قائل مجازات نمیشود.

ب- قطع عضو بدن

مجازات سرقت در صورتیکه کلیه شرایط از حیث بلوغ عاقل و مختار بودن سارق و شرایط اهمیت مال سرقت شده و در حرز بودن آن جمع گردد در دفاة اول ارتکاب بریدن دست راست و در دفاة دوم بریدن پهای چپ می باشد.

مجازات محارب یعنی کسی که شمشیر کشیده چه در شهر و چه در صحرا و بزور مال مردم را برده باشد دست راست و پهای چپ او را باید برید.

در مورد قصاص کسی که عمداً قطع عضو از دیگری کرده باشد همان عضو او را قطع میکنند مگر اینکه با پرداخت دیه شخص مجروح از قصاص چشم بپوشد.

ج- حبس مصلحت

کسی که برای مرتبه سوم مرتکب سرقت شود و کسیکه امر بکشتن کند و همچنین زنی که مرتد شده باشد محکوم بحبس دائم میگرددند.

د- تازیانه

حد مرد بی زن یا زن بی شوهری که زنا کنند (صد)

تازیانه) و در موارد مختلف زنا و مساحقه (۷۵ و ۵۰ تازیانه) و در قذف ۸۰ تازیانه معین شده در تعزیرات مخصوصاً مجازات شلاق عملی میشد ولی تمهید ضربات نالاق بسته با اهمیت جرم و نظر حاکم بود.

مجازاتهای شرع با خصائصی که ذکر شد تا ابتدای مشروطیت در ایران معمول بود ولی تنها حکام شرع مجری احکام جزا نبودند در مرکز دیوانخانه عدلیه و در شهرهای دیگر حکام نیز با حوال مجرمین رسیدگی میکردند و گاهی برای صدور حکم بمراجع شرعی احواله میدادند.

در این طریق قضاوت تشخیص مجرمیت و انتخاب مجازات بسته بنظر حاکم بود قواهدی برای ترتیب رسیدگی و کشف حقیقت در کار نبود حکام بحدس خود اشخاص را مجرم دانسته و بهوای خاطر مجازات میکردند در انتخاب مجازات جز تفتن حکام اصلی در کار نبود انواع مجازات دیگری بر مجازات های شرعی تدریجاً اضافه کردند مثل گچ گرفتن و یا با طناب خفه کردن - مجازات نقدی که در شرع وجود نداشت تدریجاً حکام برای استفاده خود برقرار داشتند این ترتیب ادامه داشت تا اینکه با شروع دوره مشروطیت تدریجاً حدود و قصاص از بین رفت و دوره تفتن قضائی خاتمه یافت.

دکتر آشوب

خیار عیب

خود می باشد ولی در این مورد معلوم نیست که عدم توجه و اذعان مشتری به عیب ظاهر و آشکار بیکه در مبیع وجود داشته بچه ملاک و روی چه اصل و قاعده برای دیگری « بایع » ایجاد مسئولیت می کند . قانون مدنی مصر در ماده ۳۲۰ می گوید : « هرگاه عیب ظاهر باشد و یا غیر - ظاهر باشد ولی مشتری بوجود آن اطلاع حقیقی داشته باشد بایع مسئولیتی نخواهد داشت » دیوان تمیز فرانسه

بموجب ماده ۴۲۳ و ۴۲۴ قانون مدنی ایران « خیار عیب وقتی برای مشتری ثابت است که عیب مخفی و موجود در زمان عقد باشد مقسود از عیب مخفی عیبی است که مشتری حین وقوع بیع عالم به آن نبوده اعم از اینکه عیب واقعاً مخفی و مستور بوده و یا اینکه ظاهر بوده ولی مشتری بان ملفت نشده است . بدیهی است هر کس مسئول خسارت ناشی از غفلت و اهمال و عدم دقت